گفت‌وگوی «جوان» با نویسنده کتاب «حاج احمد» به مناسبت سالروز شهادت حاج‌احمد کاظمی در ۱۹ دی ماه ۱۳۸۴

مدیریت جهادی و پشتکار شهید کاظمی مثال‌زدنی بود

■ صغری خیل‌فرهنگ

به انگیزه سالروز شهادت سردار شهید حاج‌احمد کاظمی با محمدحسین علی‌جان‌زاده‌روشن نویسنده کتاب «حاج احمد» به گفت‌وگو نشستیم. وی از دیدارش با حاج‌قاسم در روند نگارش کتاب گفت که قوت قلبی برای او و نشر شهید احمد کاظمی شد. علی‌جان‌زاده می‌گوید: «اسفند سال ۹۷ با حاج‌قاسم دیدار کردیم و به ایشان توضیحی در مورد کار کتاب سردار کاظمی دادیم تا از نقطه‌نظراتشان بهره ببریم. حاج قاسم فرمود: کار بسیار ارزنده‌ای است، حتماً من ببینم.» حالا کار آماده شده و به چاپ دوم رسیده است اما دیگر او در بین ما نیست و توفیق نداریم که کار را خدمت ایشان عرضه و از نقطه‌نظرات ایشان استفاده کنیم. سردار سلیمانی بسیار پیگیر بودند و در پاسخ به برخی ناملایمات و بی‌مهری‌ها در مسیر تهیه این کتاب فرمودند: «بروید جلو شما کار خودتان را انجام بدهید.» کتاب «حاج احمد» روایتی مستند از زندگی و خاطرات سردار شهید حاج احمد کاظمی است که در ۱۹دی ماه سال ۱۳۸۴در سالروز آغاز عملیات کربلای ۵ در سانحه سقوط هواپیمای حامل ایشان و تعدادی از همرزمانش، به شهادت رسید. در ادامه ماحصل همکلامی ما با محمدحسین علی‌جان‌زاده را پیش رو دارید.

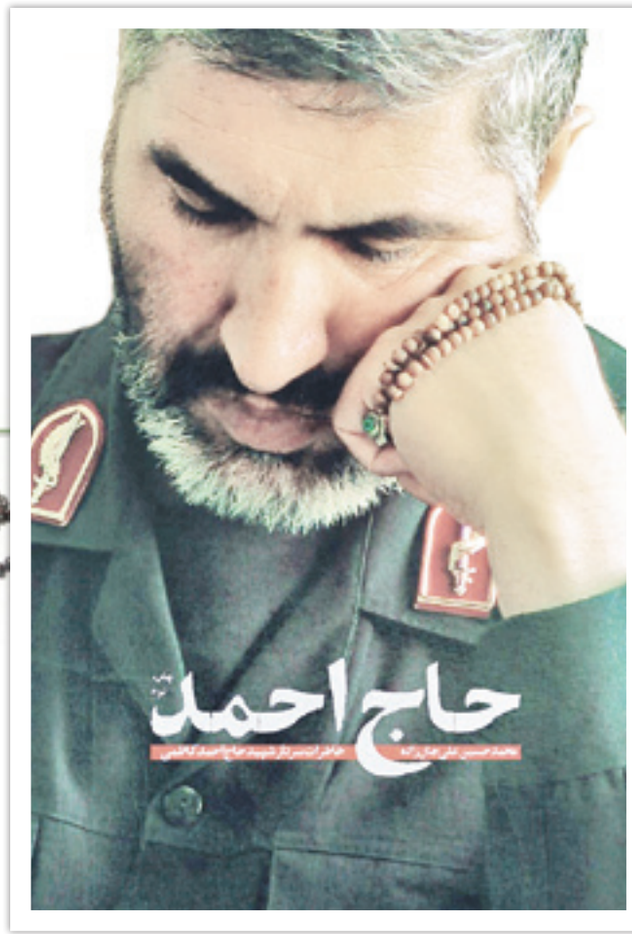

چطور به نویسندگی روی آوردید و تا کنون چه آثاری از شما به چاپ رسیده است؟

پدرم روحانی و اهل علم بود. ما کتابخانه‌ای داشتیم که بالغ بر ۷هزار جلد کتاب داشت و هر زمان که از بازی، تلویزیون و محیط پیرامون خسته می‌شدیم، به کتابخانه پدرم پناه می‌بردیم. پدر از قدیم اهل ذوق بود و کتاب‌ها و رمان‌های روز دنیا را مطالعه می‌کرد. از این رو من با همه نوع کتاب و سبک نویسندگی آشنا شدم. عشق به مطالعه در من رشد پیدا کرد و خودم شروع کردم به سیاه‌مشق کردن برخی کارها. وقتی هم که وارد حوزه علمیه شدم و دروس طلبگی را می‌گذراندم، این ذوق در من بیشتر از قبل شد و به سمت نویسندگی جذب شدم. خواهر بزرگم هم نویسنده است و همین تأثیر زیادی روی من در انتخاب این مسیر داشت. مطالعه آثار او، همراهی و آموزش‌های ایشان من را به سمت نویسندگی کشاند. ابتدا داستان‌های کوتاه می‌نوشتم و در جشنواره‌های محلی شرکت می‌کردم. موفقیت‌هایی که در این مسابقات به دست آوردم، انگیزه خوبی شد تا کار نویسندگی را ادامه بدهم. غیر از کتاب زندگی حاج احمد که در سه فصل است، چند اثر دیگر در زمینه شهدا داشتم. کتاب «زندگی شهید بصیر»، کتاب «هدایت» زندگی شهید سیدحسین گلریز، کتاب «آقا یوسف» روایتی از زندگی شهید شکوهی از شهدای شهرستان بابل، کتاب «بر قله پایداری» روایتی از ۲۳ شهید روحانی شهر بابل، کتاب «حاج عماد» زندگی شهید عماد مغنیه، کتاب «شهید سیدمحمود موسوی» شهید درگیری با پژاک سال ۹۰ و کتاب «فاتح قدس» در مورد شهید طهرانی‌مقدم کتاب‌هایی هستند که در این زمینه منتشر کرده‌ام.

انگیزه شما از نوشتن کتاب حاج احمد چه بود؟ خودتان به ناشر پیشنهاد دادید یا آنها از شما خواستند این کتاب توسط شما نوشته شود؟

نوشتن کتاب در زمینه شهدا من را بر آن داشت تا در مورد زندگی شهید حاج احمد کاظمی دست به قلم شوم. حاج احمد شهیدی بود که بعد از دفاع مقدس و در دوره خودمان یعنی در سال ۱۳۸۴ به شهادت رسید. به عنوان یک جوان دهه شصتی به این شهید علاقه داشتم و مستند منتشر نشده است، بدهم. بنابراین طرح و ایده خودم را با مؤسسه انتشارات شهید احمد کاظمی مطرح کردم و بحث و بررسی‌های لازم انجام شد. ما پیشنهاد را دادیم و مدیر مؤسسه شهید کاظمی هم پذیرفتند. من ادعای این را ندارم که کتاب من تام و تمام است اما به شدت معتقد بودم و هستم که آنقدر شخصیت شهید کاظمی پر ابعاد بود که جا داشت یک کار خوب و قوی در مورد ایشان انجام شود.

چه منابع و مستنداتی در اختیار داشتید؟ از سبک نگارش کتاب بگویید.

من مدتی را با رزمندگان نجف‌آبادی همکلام شدم و پای صحبت‌های همرزمان شهید نشستم. بعد هم از خانواده شهید یکسری خاطرات احصا شد و از اقوام درجه یک مصاحبه گرفتم. نتیجه‌اش هم این شد که ما به یک مستنداتی از حاج احمد دست پیدا کردیم اما مسئله اصلی این بود که حالا چطور باید این مطالب را ارائه می‌دادیم! در مرحله اول به دنبال این بودم که مجموعه آثار و دستنوشته‌ها را مانند کتاب «به روایت همت» به صورت مستند هزار صفحه‌ای و خالص و خام به نگارش دربیاورم. بعد از آن گفتم که در حال حاضر قالب داستانی حکمفرماست، اما ما قرار نیست داستان روایت کنیم. در نهایت خاطرات را در قالب یک ناداستان منتشر کردیم و یکسری زوایای زندگی حاج احمد را در توالی زمانی به تصویر کشیدیم. یعنی از ۶-۵ سالگی حاج احمد شروع کردیم تا به شهادت ایشان رسیدیم. البته این همه کار نبود، بلکه بخش‌های مهمی از زندگی حاج احمد را برجسته و از زبان خانواده، فرماندهان و همرزمان شهید روایت کردیم.

در معرفی کتابتان گفتید که در سه فصل از این کتاب به روایات ناگفته و ابعاد جدیدی از ایشان پرداخته‌اید. این ناگفته‌ها چیست؟

همانطور که گفتم زندگی حاج‌احمد در این کتاب از زوایایی که تا به حال به آن پرداخته نشده و ناگفته مانده نقل شده‌است. در مورد مبارزات و فعالیت‌های انقلابی ایشان، حاج‌احمد در دوران نوجوانی و جوانی، ارتباطشان با شهید منتظری در نجف‌آباد و عشقی که در این مسیر به امام خمینی(ره) پیدا می‌کنند، همه و همه روایات مهم زندگی‌شان است که کمتر به آنها پرداخته شده بود.

> نوشتن کتاب در زمینه شهدا من را بر آن داشت تا در مورد زندگی شهید حاج احمد کاظمی دست به قلم شوم. حاج احمد شهیدی بود که بعد از دفاع مقدس و در دوره خودمان یعنی در سال ۱۳۸۴ به شهادت رسید. به عنوان یک جوان دهه شصتی به این شهید علاقه داشتم

معمولاً در زندگینامه‌ها سعی می‌شود چهره‌ای کاملاً مثبت و آسمانی از شخصیت مورد نظر ارائه شود. شما در ترسیم چهره شهید چقدر به این قاعده پایبند بودید. چقدر از چهره زمینی شهید نوشتید؟

یکی از نکاتی که به شدت با آن مخالف بودم، کلیشه‌سازی از شهید است. من از این موضوع فراری بودم. هر چند برخی جاها شاید دچار شعارزدگی شدم، اما سعی‌ام بر این بود که هر چه واقعیت در مورد شهید است، بیان شود. شهید در مسیر زندگی‌اش به دنبال خودسازی بود و مأموریت من هم به عنوان نویسنده کتاب ایشان، این بود که آن را بیان کنم. از طرفی سعی کردم نه در حق شهید اجحاف شود و نه از ایشان یک انسان آسمانی دست‌نیافتنی برای مخاطبینم بسازم. زندگی انسانی همه شهدا مانند ما بوده، برای همین نه باید غلو کنیم و نه کم بگوییم.

این کتاب چقدر نگاه شما را نسبت به شهید کاظمی تغییر داد؟

من سعی کردم آنچه خودم دریافت کرده‌ام را منعکس کنم. ایشان یک انسان خدایی، منضبط با وجدان کاری و به معنای واقعی مدیر جهادی بود. ایشان در هر مسئولیتی که بود، قدمی برمی‌داشت که افراد بعد از ایشان بتوانند از ثمراتش استفاده کنند. من در مورد زندگی شهدای دیگر هم مطلب نوشته بودم اما در مورد شهید کاظمی انتظار داشتم با فردی برخورد کنم که خیلی نسبت به اطرافیانش راحت است و انعطاف دارد. اما شهید کاظمی به لحاظ مدیریت و فرماندهی منضبط و جدی بود. من در توصیف شهید کاظمی از زبان فرماندهان متوجه شدم که حاج‌قاسم آیینه‌ای از شهید کاظمی بود. همانطور که می‌دانید این دو شهید خیلی با هم مأنوس بودند. حاج احمد ریزبین بود و حافظه عجیبی داشت. ایشان فرمانده‌ای بود که به شدت دیسیپلین و هیبت نظامی و الهی داشت و مأموریت‌ها و کارهایش را جدی می‌گرفت.

مطالب کتاب را راست‌آزمایی کردید یا بر اساس اعتماد به گویندگان اقدام به نشر سخنان آنان کردید؟

> بخش‌های زیادی از کتاب در زندگی شخصی‌ام تأثیر گذاشته و برایم جذاب بود. مدیریت جهادی و پشتکار حاج‌احمد مثال‌زدنی بود. ایشان انسانی پیگیر و ریزبین بود که خستگی را نمی‌شناخت. تمام تلاش من هم این بود که از این خصوصیاتش بهره ببرم

۴۰تا ۵۰ درصد کار اینطور پیش رفت که ما راویان را می‌آوردیم و دور هم می‌نشاندیم و از آنها می‌خواستیم که روایت‌های خودشان را از شهید داشته باشند. همین دورهمی‌ها، نشست‌ها و بیان خاطرات باعث می‌شد که زوایای مغفول‌مانده کتاب مشخص شود. این اقدام بسیار به روند نگارش کتاب کمک کرد.

کدام بخش کتاب برای خود شما جالب‌تر و جذاب‌تر بود؟

من این کتاب را مانند یک کل منسجم می‌دانم، اما بعضی از جاهایش جالب و جذاب است. قصه عملیات‌های کوه سنجق(که ۱۵۰ کیلومتر وارد خاک کردستان عراق شدند و در نهایت با درگیری با کومله و دموکرات آنها را سر جایشان نشاندند)، عملیات‌های اولیه ایشان در لبنان و کردستان، همراهی‌اش با شهیدان مهدی و حمید باکری در عملیات بدر بسیار جذاب است. نکته دیگر اینکه سال ۱۳۷۴ شهید کاظمی عملیاتی در خاک عراق اجرا کرد که به جرئت می‌توان گفت مقدمه‌ای بر تشکیل نیروی قدس بود که حالا امنیت ما را در برون‌مرزها تأمین می‌کند. ما این را مرهون جسارت آن روزهای حاج‌احمد هستیم.

نوشتن این کتاب چه اثری در زندگی شما داشته است؟ چقدر تحت تأثیر محتوای آن قرار گرفتید؟

معروف است که هر نویسنده جهانی از ذهن خودش را در کتاب منتقل می‌کند. سعی من بر این بود که این کتاب موفق باشد. بخش‌های زیادی از کتاب در زندگی شخصی‌ام تأثیر گذاشته و برایم جذاب بود. مدیریت جهادی و پشتکار حاج‌احمد مثال‌زدنی است. ایشان انسانی پیگیر و ریزبین بود که خستگی را نمی‌شناخت. تمام تلاش من هم این بود که از این خصوصیاتش بهره ببرم.

کدام ویژگی شهید در نظر شما برجسته‌تر از دیگر خصوصیات او بود؟

یکی از ویژگی‌های زیبای ایشان مدیریت جهادی بود. به عبارتی یکی از حلقه‌های مفقوده ما همین مدیریت جهادی است. در مدیریت کشور هر جا مسئول و مدیر یا هر کسی در هر پست و مسئولیتی در راه خدا جهاد کرد، از خوشی و زندگی خودش زد و از منیت‌ها گذشت و پیگیر این بود که حق و حقوق مردم را درست کند و به دنبال ایفای حق مردم باشد و قدمی برای امام زمان(عج) بردارد، می‌تواند بگوید یک مدیر جهادی است.

نگاه

چرا کربلای ۵ ۲ هفته پس از کربلای ۴ آغاز شد؟

■ علیرضا محمدی

پس از آنکه عملیات کربلای ۴ در پنجم دی ماه ۱۳۶۵ به اتمام رسید، عملیات کربلای ۵ درست ۱۴ روز بعد در ۱۹ دی ماه ۶۵ آغاز شد. از سال ۶۲ که ایران به عملیات سالانه بزرگ روی آورده بود و هر سال تنها یک عملیات بزرگ انجام می‌داد، سابقه نداشت که دو عملیات در فاصله زمانی کم از هم انجام بگیرند. اما علت شروع کربلای ۵ تنها دو هفته پس از عملیات قبلی چه بود؟

سال ۶۵ اوج دفاع مقدس بود. شش سال از شروع جنگ تحمیلی می‌گذشت و ایران از تیرماه ۱۳۶۱ حالت هجومی به خود گرفته بود و سعی داشت دشمن را در خاک خودش تعقیب و تنبیه کند. تا سال ۶۴ سیاست ورود قوای ایرانی به خاک دشمن متجاوز چندان موفقیت‌آمیز نبود. اما در زمستان سال ۶۴ عملیات والفجر ۸ توانست یک موفقیت بزرگ نصیب جبهه خودی کند و با تصرف شبه‌جزیره فاو، دسترسی عراق به آب‌های آزاد تا حد زیادی مسدود شد.

انجام موفقیت‌آمیز عملیات والفجر ۸ بارقه‌های امید را در دل جبهه ایران از نو تازه کرد. از همین جا بود که فکر اعزام قوای یکصد هزارنفری محمدرسول‌الله(ص) برای تقویت جبهه‌ها در فکر مسئولان و فرماندهان زده شد و تبلیغات بسیاری هم برای جذب و اعزام این تعداد نیرو صورت پذیرفت.

تا زمان انجام عملیات والفجر ۸ به صورت میانگین ۱۰۰ الی ۱۵۰ گردان در عملیات بزرگ شرکت می‌کردند. همواره مباحثی بین فرماندهان سپاه و برخی از سیاسیون مطرح بود که باید برای یورش به اهدافی چون بصره یا العماره و حتی بغداد، با ۵۰۰ گردان وارد عمل شد، اما این جمله سیاسیونی که می‌گفتند: «نمی‌توانیم بند پوتین این رزمنده‌ها را هم تأمین کنیم» طرح ۵۰۰ گردانی را مسکوت گذاشته بود. تا اینکه موفقیت در عملیات والفجر ۸ باعث شد اتفاقی بین این دسته از سیاسیون و فرماندهان میدانی دفاع مقدس صورت گیرد.

سال ۶۵ با اعزام سپاه محمدرسول‌الله(ص) به جبهه‌ها، قرار شد کربلای ۴ با ۲۵۰ گردان رزمی انجام گیرد. هنوز تا ۵۰۰ گردان فاصله زیادی بود، اما همین ۱۰۰ گردان نیروی اضافه نیز می‌توانست گشایش خوبی را در عملیات آتی که کربلای ۴ بود، صورت دهد.

از بعد بین‌المللی نیز پس از فتح فاو در زمستان ۶۴، کمک‌های تسلیحاتی به عراق شدت گرفت. همچنین اهرم اقتصادی علیه ایران در تابستان ۶۵ به اوج خود رسید و با همراهی عربستان، کویت و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس، نفت به بشکه‌ای زیر شش دلار رسید. بنابراین فشارهای اقتصادی نیز ایران را بر آن داشت تا در عملیات آتی هر چه دارد به میدان بیاورد تا با تکمیل متصرفات فاو و رسیدن نیروهای ایرانی به شهر بصره، کار جنگ را یکسره کند.

لو رفتن عملیات کربلای ۴ و اتمام ۳۶ ساعته آن تمام اهداف و امیدهایی را که برای این عملیات بزرگ در نظر بود، تحت‌الشعاع قرار داد. اگر عملیات در همین مرحله تمام می‌شد، عمده سپاه محمد(ص) که از داوطلبان بسیجی بودند به خانه‌های خود برمی‌گشتند و جمع‌آوری مجدد این یکصد هزار نفر کار راحتی نبود. همچنین دو یگان لشکر فجر شیراز و تیپ ابوالفضل(ع) لرستان در محور ایذایی عملیات کربلای ۴ که منطقه شلمچه بود، موفقیت دور از انتظاری کسب کرده بودند که باعث شد فرماندهان به فکر انجام عملیاتی دیگر در همین محور بیفتند.

بنابراین پس از جلسه‌ای که در پادگان گلف بین هاشمی رفسنجانی، محسن رضایی و فرماندهان لشکر انجام گرفت، تصمیم گرفته شد تا نیروها را ترخیص نکنند و این بار از منطقه شلمچه عملیات کربلای ۵ را انجام بدهند. از آنجایی که نیروهای اطلاعاتی لشکر فجر و تیپ ابوالفضل(ع) شناسایی‌های خوبی را در شلمچه انجام داده بودند، طرح انجام عملیات کربلای ۵ به سرعت ریخته شد و در نتیجه دو هفته پس از اتمام کربلای ۴، بزرگ‌ترین و سخت‌ترین عملیات طول دوران دفاع مقدس با نام کربلای ۵ در منطقه عملیاتی شلمچه آغاز شد.

> دو یگان لشکر فجر شیراز و تیپ ابوالفضل(ع) لرستان در محور ایذایی عملیات کربلای ۴ که منطقه شلمچه بود، موفقیت دور از انتظاری کسب کرده بودند که باعث شد فرماندهان به فکر انجام عملیاتی دیگر در همین محور بیفتند

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۳۹۴

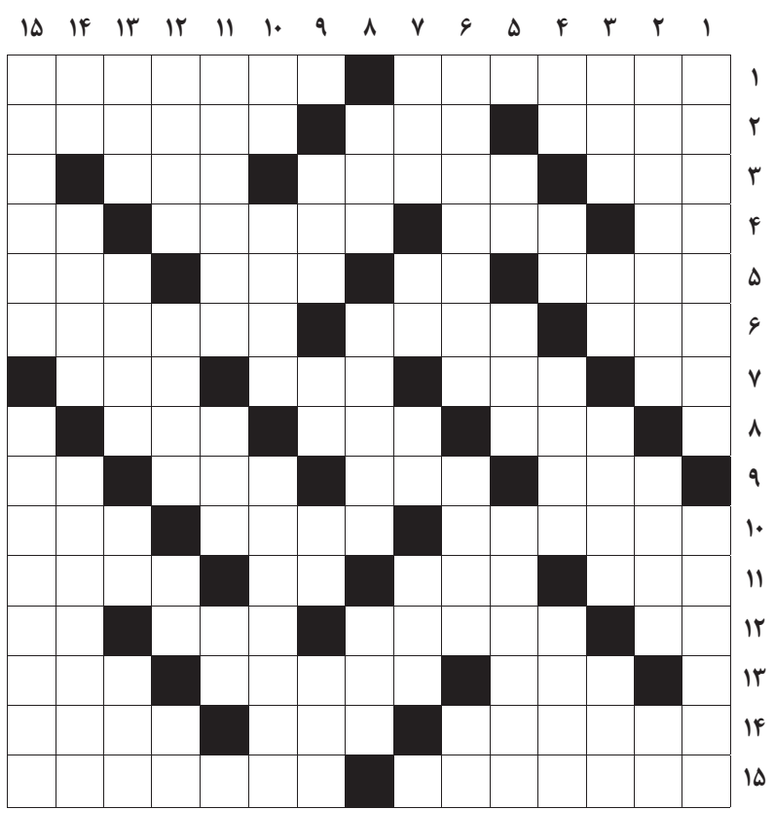

از راست به چپ

■ ۱- طایفه‌ای که رسول اکرم از آن برخاست- التهاب حنجره ■ ۲- بی حرکت- عدد مجهول سه تا نه- سپاسگزاری ■ ۳- تکیه کلام خانم‌ها- خیابان تزیین‌شده- دره کوه ■ ۴- رطوبت- قیم- نتیجه‌ای چند- ترک استخوان ■ ۵- ملخ دریایی- وتر کمان- وسط- متضاد عرش ■ ۶- بیخ آستین- خدای هندوها- استخوان بالای مغز سر ■ ۷- سوی و طرف- نوعی پرنده- از بت‌های جاهلی- آقا و سرور ■ ۸- گوسفند ماده- وسیله ارتباطی خدا با بندگان خاص- نارس ■ ۹- مادر وطن- یرنا- خانه زمستانی- یک و یک ■ ۱۰- جواز و اجازه‌نامه- نوعی ماهی استخوانی خلیج فارس- حیوان مسابقه‌ای ■ ۱۱- نمایشنامه‌نویس ایرلندی صاحب اثر در انتظار گودو- بهشت شداد- مروارید- تیم فوتبال شهر برلین ■ ۱۲- بوی رطوبت- شاخه‌ای از علم فیزیک که به مطالعه خواص نور، تولید و انتشار آن در دستگاه‌های بینایی می‌پردازد- برکت سفره- رود ■ ۱۳- پول غنا- شهری در ایتالیا- لکن ■ ۱۴- کنایه از فروختن کالای بنجل و نامرغوب- مکر و حیله- بالاترین رنگ ■ ۱۵- شاعر می‌گوید جهان جای آن نیست- نویسنده آفریقایی کتاب سرزمین بیگانگان و برنده جایزه نوبل ادبی ۱۹۹۱

از بالا به پایین

■ ۱- مربوط به خارج از کشور- فراورده‌های شیری ■ ۲- مولا علی(ع) آن را بزرگ‌ترین بلا در زندگی بر شمرده‌اند- سنگ طلق- پایتخت آلمان غربی سابق ■ ۳- خوردنی نامأکول- شکم‌بند طبی- بهترین جایگزین برای کسانی که به مصرف شیر حساسیت دارند- این قوم درزمان هخامنشیان و پیش از آن در پیرامون ایران می‌زیسته اند ■ ۴- ضربه سر در فوتبال- رودی در چین- تلویزیون- نشانی ■ ۵- مخترع تلفن- از درختان جنگل‌های شمال- پنهان و دور از دسترس ■ ۶- مزرعه برنج- افسوس خوردن- گیاه مرداب ■ ۷- فهرست غذای رستوران- اراده- تاکسی پرظرفیت- یک حرف و سه حرف ■ ۸- درجه‌ای در رشته‌های رزمی- اصرار کردن- شیرینی تولد ■ ۹- رتبه‌ها- از حروف صدادار- دشمن سخت- مسابقات سراسری ■ ۱۰- یک بر روی یک- از نمازهای واجب- اسب زورو ■ ۱۱- کد- از کلمات پرسشی- ضمیر اشاره ■ ۱۲- بچه چهارپایان- سمت چپ- نفس خسته- آب‌بند ■ ۱۳- از شهرهای سوییس- مجموعه‌ای از داده‌های مرتبط در رایانه- امر تو خالی!- خرس آذری ■ ۱۴- حرف انتخاب- از شهرهای آذربایجان شرقی- بوییدن ■ ۱۵- لوله سفالی کوتاه- عارفی که بهترین دوبیتی‌ها را در شعر فارسی سروده است

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۵					۳		۱	
۹	۴				۶			۵
						۴	۲	
	۵	۸						۴
				۳	۱			۶
	۶			۹				۱
		۴				۹		
۷		۱	۵	۲				

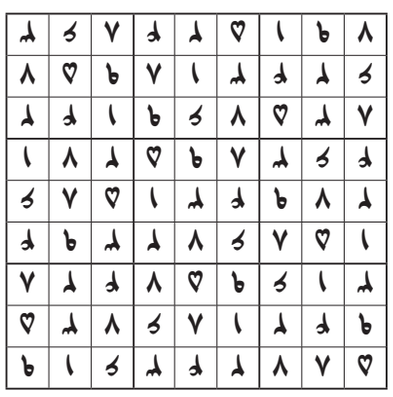

جدول کلمات متقاطع
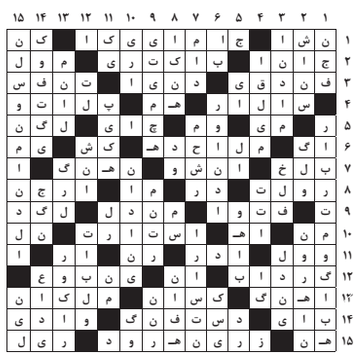
پاسخ جدول شماره ۶۳۹۳